پنجمین سال جنگ و شعار صلح دمکراتیک

انقلابی

دوره جدید
سال دوم
شهریور ۴۳

شماره
۲۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان

چهار سال از جنگ ارتجاعی دولتمن ایران و عراق گذشت و این جنگ ویرانگر وارد پنجمین سال خود شد. جنگی که در طول چهار سال گذشته بیشترین خسارات مالی و جانی را به زحمتکشان هردو کشور وارد آورده و بخش عظیمی از نیروی انسانی

و منابع درآمدملی هردو کشور را درکام خود فرو بلعیده و صدها هزار کشته و مجروح و معلول، میلیونها نفر آواره و بی‌خانمان از خود برجای گذارده است.

چهار سال پیش زمانی که این جنگ در ابعاد بسیار گسترده و سهمگینی شروع شد و در عرض چند هفته بخش اعظم موسسات اقتصادی طرفین را طعمه حریق ساخت، کمتر تصور می‌شد که این جنگ تا این اندازه ادامه یافته و بدین وسیله و در ابعادی نظیر شرایط امروز، به حیات ننگین خود ادامه دهد.

ابعاد جنایت بار چهار سال گذشته جنگ و ادامه بلاتکلیف آن در شرایط کنونی و روز افزون احساسات ضد جنگ در میان توده‌ها بویژه در دو سال اخیر و حمله بی‌حاصل رژیم به خاک عراق و سازماندهی حملات پی‌درپی و بی‌نتیجه و تحمیل تلفات انسانی فوق العاده زیاد، امروز امر طرح شعار صلح را از سوی نیروهای سیاسی به یک مساله جدی تبدیل نموده است. که هرکدام از آنها در طرح این شعار اهداف مرحله‌ای خود را نیز دنبال نموده و آنرا گامی در جهت تحقق اهداف جنبش انقلابی در این مرحله محسوب میدارند.

آنچه که از همان فردای شعله ور شدن نا شرده جنگ کنونی مشخص بود وهست پیروزی رژیم از این جنگ در جهت حل معضلات گذشته، در جهت حل معضلات تحمیل شده خود در مقابل توده‌ها و وضعیت بحرانی درون جامعه و بسیج نیرو برای سرکوب جنبش توده‌ای و زمینه سازی برای چنین سرکوبی بوده است، روشن است که رژیم جمهوری اسلامی تا زمانی که نتواند بر بسیاری از این مشکلات غلبه نموده و زمینه‌های ایجاد شده توسط جنگ کنونی را کاملا" تحکیم نماید، تن به صلح

نخواهد داد و همچنان بر مساله اصلی بودن جنگ کنونی تاکید خواهد کرد. از همین رو نیز سازماندهی احساسات ضد جنگ توده‌های زحمتکش که با ادامه جنگ سرخانه‌های آنها سنگینی می‌کند و دادن سمت و سوی معین به خواست آنها مبنی بر پایان دادن به جنگ کنونی باید موضوع اساسی تمامی تلاشهای سازمانگرانه نیروهای انقلابی را تشکیل دهد.

آنچه که مسلم است (رگذشت چهار سال به خوبی آنرا آشکار ساخته است) سرنوشت جنگ رژیم با عراق بیش از آن که در مرزها تعیین گردد، در داخل مرزهای مبارزه طبقاتی درون جامعه تعیین گردیده و در کلیت خود بیش از آن که بیانگر تمایلات توسعه طلبانه رژیم باشد، بازتابی از این مشکلات عدیده رژیم در مقابله با نهضت وشکوفای این مبارزه بوده و در مجموع این قرار داشته و دارد. و به همین لحاظ نیز امروز تاکید صرف و بی‌قید و شرط بر شعار صلح به طور کلی به عنوان یک راه حل سال جنگ در شرایطی که توده‌های زحمتکش سراسر ایران دوران انقلابی پرتحرکی را پشت سر می‌گذارند و جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سرنگونی بلاواسطه رژیم را به عنوان عامل اصلی نه تنها جنگ، بلکه تمامی مشکلات اجتماعی امروز خود، در پیش روی دارند نه تنها یک شعار کاملا" انحرافی و عقب مانده و خالی از هرگونه مضمون انقلابی است بلکه راهگشای هیچگونه چشم انداز روشنی برای توده‌های انقلابی نیست. و بیانگر بی‌توجهی خیرخواهانه در مقابل جنگ کنونی است. درصورتی که طبقه کارگر و به طریق اولی سایر زحمتکشان سراسر ایران در مقابل این جنگ بی‌موضع نمیستند. موضع آنها دفاع طلبی سوژوانستانه، نه حمایت از جنگ کنونی. نه بی‌طرفی در قبال جنگ کنونی. که منطبق با اهداف ارتجاعی بورژوازی در کلیت آن خدمت نمی‌کند، بلکه دقیقا" پایان قطعی دادن به این جنگ خانمان برانداز، از طریق تبدیل آن به خود یعنی به جنگ داخلی و جنگ علیه بورژوازی

خودی و بدین وسیله سرنگونی آن و رسیدن به یک صلح از طریق اعمال اراده دمکراتیک توده‌ها است. طبیعی است که چنین صلحی تنها با سازماندهی اراده قدرتمند توده‌ها حول شعار معین دست یابی به صلح دمکراتیک، از طریق تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تحقق پذیر هست.

صلح خواست عمومی توده‌ها است و بدون تردید زمینه‌ای برای سازماندهی مبارزات توده‌ها نه تنها بسیار وسیع و درک ابتدائی آنها، بلکه در ارتقاء یافته ترین شکل آن، در شرایط متحول کنونی است و کسانی که با طرح شعارهائی از قبیل زنده باد صلح و غیره به استقلال سازماندهی توده‌ها حول شعار سرنگونی غیرمستقیم رژیم را تحت الشعاع قرار میدهند، با بی‌اهمیت سازماندهی توده‌ها حول شعارهای دمکراتیک دوران انقلابی کنونی اندیشند. با چه عواقب ترس و عقب مانده‌ترین نوع اکونومیسم در برخورد به هدایت سازمانگرانه توده‌ها هستند. ما چنین شعارهائی بیش از آن که بتوان توده‌ها و سطح مبارزاتی آنها را ارتقاء داده و اثر وی انقلابی آنها را برای تغییرات و تحولات اساسی منتظر یک دوران انقلابی سازماندهی کرد، تنها می‌توان آنها را به عقب گرد واداشت. و بدین چنین شعارهائی در شرایط خاصیت اشتیاق عجیبی برای تنزل دادن حد مبارزات خود به سطح نه پیشروترین بخش توده‌ها، بلکه تمایلات عقب مانده‌ترین بخش آنها از خود نشان می‌دهند.

مساله اساسی امروز این است که چگونه باید این خواست عمیق توده‌ها به پایان دادن جنگ را، به آهرمی برای تحقق اهداف انقلابی آنها مبدل ساخت. آیا باید آنها را با روحیه انقلابی و با شعارهای انقلابی برای نبردهای آینده مجتمع نمود یا با شعارهای اکونومیستی و کاملا" تهی از مضمون طبقاتی پیشرو. آنها را در همان گام های اول به درجا زدن و واداشت و روحیه حرکت از غیرمستقیم به مستقیم یا به عبارتی دیگر حرکت

گام به گام را درمیان آنها ترویج و تبلیغ نمود. آیا باید حتی در تمایل آنها به پایان دادن به یکی از دهشتناک ترین جنگها، نمیز اهداف این مرحله از مبارزات پرتحرک و قهرمانانه آنها، یعنی سرنگونی رژیم حامی و هدایت کننده این جنگ و به مراتب دهشتناک تر از خود جنگ را خواستار شد که خود جنگ ارتجاعی کنونی محصول وجودی آن و در جهت منافع و مصالح حیاتی آن برپا گردیده است.

برپا گردیده است، یا آنها را نخست برای قطع جنگ و سپس برای سرنگونی رژیم دعوت نمود.

کسانی که در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در انقلاب حاضر، به بررسی مبارزه جاری توده‌ها و اتخاذ سیاست و تعیین شعارهای مرحله‌ای و غیره می‌پردازند، می‌باید صریحاً و با تمامی قوا با تبلیغ شعار صلح دمکراتیک از طریق تبدیل جنگ کنونی به جنگ داخلی علیه بورژوازی خودی، و با رو... مبارزه آشکار و مستقیم متناسب با دوران انقلابی حاضر توده‌ها را سازماندهی نمایند.

اشتیاق توده‌ها به صلح را نباید در حد همان درک ابتدائی آنها، بلکه باید یک گام بیشتر و در جهت منافع آتی آنها سازماندهی کرد. باید نقش پیشرو توده‌ها و نه مفسر تمایلات خودبه خودی آنها را بر عهده گرفت و به ضرورت لحظه، خطیر کنونی حرکت انقلابی توده‌ها، پاسخ روشن و مشخص داد، چرا که انقلاب بدام درکار خویش است و هیچ چیزی حتی مهیب‌تر از جنگ کنونی را یارای سدکردن آن نخواهد بود.

خلاصه این که در شرایط پیشرفت بلا انقطاع جنبش انقلابی، حمایت داری از شعار صلح بدون محتوای مشخص طبقاتی، چیزی جز خدمت به منافع بورژوازی خودی نخواهد بود. اگرچه حتی چنین شعاری متناسب با تمایل وسیع ترین بخش توده‌ها هم باشد.

"تمایل توده‌ها به طرفداری از صلح، اغلب بیانگر آغاز اعتراض، خشم و درک ماهیت ارتجاعی جنگ می‌باشد. این وظیفه کلیه... دمکراتها است که از این تمایل استفاده کنند. آنها در هر جنبش و هر تظاهرات که نتیجه چنین احساساتی است، با حرارت ترین نقش را به عهده خواهند داشت، ولی هیچگاه خلق را با قبول این عقیده که یک صلح بدون الحاق، بدون ستم به ملتها، بدون غارتگری و بدون در برداشتن نطفه جنگهای جدید حکومتهای کنونی و طبقات حاکمه با فقدان یک جنبش انقلابی، امکان پذیر است، فریب نمی‌دهند. چنین فریب توده‌ها، صرفاً به معنای بازیچه دیپلماسی سری حکومتهای متخاصم قرار گرفتن، تسهیل کردن نقشه‌های ضد انقلابی آنهاست.

هرکس که یک صلح پایدار و دمکراتیک می‌خواهد، باید از جنگ داخلی علیه حکومتها و بورژوازی حمایت کند."

(لنین، سوسیالیسم و جنگ)
تاکید از ماست

★ ★ ★

تنها راه رسیدن به صلح دمکراتیک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

تکثیر از: سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی
هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران